



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٌ وَمَعِينٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدًا

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ

مبنای افق تقاویم نجومی بنیاد حیات اعلی: ساعت جهانی KMT کعبه مشرقه مکہ مکرمه

وقایع فلکی خاص

نوروز نامه ۱۳۹۴

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیة

تیم و تدوین: پژوهشگر علوم نجوم و تجسم بنیاد حیات اعلی

۳۰ جمادی الأولى ۱۴۳۶ = ۱ فروردین ۱۳۹۴ = ۲۱ مارس ۲۰۱۵

ارزش نوروز در کلام خازنان وحی علیهم السلام

قد روی عن النبي ﷺ أنه قال: لعليّ ﷺ سبعة عشر إسماء، فقال ابن عباس: اخبرنا ما هي يا رسول الله؟ فقال ﷺ: اسمه عند العرب عليّ ﷺ، و عند أمّه حيدرة، و في التوراة إلیاء، و في الإنجيل بریا، و في الزبور قریا، و عند الروم بطرسیا، و عند الفرس نیروز، و عند العجم شمیا، و عند الديلم فریقیا، و عند الکرور شیعیا، و عند الزنج حیم، و عند الحبشه تبیر، و عند الترك حمیرا، و عند الأرمن کرکر، و عند المؤمنین السحاب، و عند الکافرين الموت الأحمر، و عند المسلمین وعد، و عند المنافقین وعید، و عندی طاهر مطهر، و هو جنب الله، و نفس الله، و یمین الله عزوجل، قوله «و یحذركم الله نفسه»، و قوله: «بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء» (الفصائل تألیف شاذان بن جبرئیل قمی، ص ۱۷۵).

ترجمه: روایت شده از نبی اکرم ﷺ که فرمود: برای علی ﷺ هفده اسم است. پس ابن عباس گفت: یا رسول الله به ما خبر بده که آن اسما چه هستند؟ پس پیامبر ﷺ فرمود: اسم او نزد عرب «علی» و نزد مادرش «حیدره» و در تورات «الیاء» و در انجیل «بریا» و در زبور «قریا» و نزد روم «بطرسیا» و نزد فرس «نیروز» و نزد عجم «شمیا» و نزد دیلم «فریقیا» و نزد کرور «شیعیاء» و نزد زنج «حیم» و نزد حبشه «تبیر» و نزد ترک «حمیرا» و نزد ارمن «کرکر» و نزد مومنین «سحاب» و نزد کافرین «مرگ سرخ» و نزد مسلمین «وعد» و نزد منافقین «وعید» و نزد من «طاهر مطهر» است و اوست جنب خدا و نفس الله و دست راست خدای عزوجل. بعد پیامبر ﷺ به این دو آیه شریفه استشهاد کرد قول خداوند:

«خداوند شما را از نفس خود بیم می دهد» و قول خداوند: «بل دستان او بازند، هر جور که بخواهد، انفاق می کند».

علامه مجلسی در «بحار الأنوار» آورده است: روی فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن محمد بن عبید الله بن الحسين بن علی بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن علی بن ابی طالب، عن ابی عبدالله جعفر بن محمد بن أحمد بن العباس الدوریستی، عن ابی محمد جعفر بن أحمد بن علی المونسی القمی، عن علی بن بلال، عن أحمد بن محمد بن یوسف، عن حبیب الخیر، عن محمد بن الحسین الصائغ، عن أبیه، عن مُعَلِّی بن حُنَیس، قال:

دخلت علی الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يوم النبروز، فقال عليه السلام: «أتعرف هذا اليوم؟». قلت: جعلت فداك، هذا يومٌ تعظمه العجم وتتهادى فيه. فقال أبو عبدالله الصادق عليه السلام: «والبيت العتيق الذي بمكة، ما هذا إلا لأمر قديم أفسره لك حتى تفهمه». قلت: يا سيدي! إن علم هذا من عندك أحب إلي من أن يعيش أمواتي وتموت أعدائي.

ترجمه: مُعَلِّی پسر حُنَیس گوید: در روز نوروز، بر امام صادق عليه السلام وارد شدم. فرمود: «آیا این روز را می شناسی؟». گفتم: قربانت گردم! این روز را فارسیان گرامی می دارند و به یکدیگر هدیه می دهند. فرمود: «سوگند به خانه کعبه که این، رمزی دیرینه دارد و برایت روشن می سازم تا آگاه گردی». گفتم: سرورم! آموختن این امر از شما را بیشتر دوست می دارم از آنکه مردگانم زنده شوند و دشمنانم بمیرند.

فقال: «يا مُعَلِّی! إن يوم النبروز هو اليوم الذي أخذ الله فيه موثيق العباد أن يعبدوه ولا يشركوا به شيئاً، وأن يؤمنوا برسله و حججه، وأن يؤمنوا بالأئمة عليهم السلام». وهو أول يوم طلعت فيه الشمس، و هبت به الرياح، و خلقت فيه زهرة الأرض. وهو

الיום الذي استوت فيه سفينة نوح عليه السلام على الجودي. وهو اليوم الذي أحى الله فيه الذين خرجوا من ديارهم وهم ألوفٌ حذر الموت، فقال لهم الله موتوا ثم أحياهم. وهو اليوم الذي نزل فيه جبرئيل على النبي صلى الله عليه وآله وسلم وهو اليوم الذي حمل فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أمير المؤمنين عليه السلام على منكبه حتى رمى أصنام قريش من فوق البيت الحرام فهشمها، وكذلك إبراهيم عليه السلام وهو اليوم الذي أمر النبي صلى الله عليه وآله وسلم أصحابه؛ أن يبايعوا علياً عليه السلام بإمرة المؤمنين. وهو اليوم الذي وجّه النبي صلى الله عليه وآله وسلم علياً عليه السلام إلى وادي الجن يأخذ عليهم البيعة له. وهو اليوم الذي بوع لأئمة المؤمنين عليهم السلام فيه البيعة الثانية. وهو اليوم الذي ظفر فيه بأهل النهروان و قتل ذا الشديدة. وهو اليوم الذي يظهر فيه قائمنا و ولاية الأمر. وهو اليوم الذي يظهر فيه قائمنا بالدجال فيصلبه على كنانة الكوفة. وما من يوم نبروز إلا ونحن نتوقع فيه الفرج؛ لأنه من أيامنا وأيام شيعتنا، حفظته العجم وضيعتموه أنتم.

آن گاه فرمود: «ای معلی! روز نوروز، همان روز است که خداوند از بندگان پیمان گرفت او را بپرستند و به او شرك نورزند، به پیامبران و حجت هایش عليهم السلام بگروند و به امامان ایمان آورند. این همان روز است که خورشید طلوع کرد، بادهای وزیدن گرفت و گل های زمین رویدند. این همان روزی است که کشتی نوح عليه السلام بر ساحل جودی آرامش یافت و همان روزی است که خداوند، گروهی چند هزار نفره را که از ترس مرگ از خانه ها بیرون رفته بودند زنده ساخت، پس از آن که آنان را میرانده بود. این، روز فرود جبرئیل عليه السلام بر پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم است و روزی است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم امام علی عليه السلام بر دوش گرفت تا بت های قریش را در مسجد الحرام شکست و در همین روز، ابراهیم، بت ها را شکست. این همان روزی است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم به یارانش دستور داد با علی عليه السلام

بیعت کنند و در همین روز، علیؑ را برای بیعت گرفتن از جنیان فرستاد. در همین روز، دومین بیعت با امیرالمؤمنینؑ انجام شد. در همین روز بر نهروانیان پیروز شد و ذوالشویه (صاحب پستان) را به قتل رساند. در این روز، قائم ما و صاحبان حکومت قیام کنند و در همین روز، قائم ماؑ بر دجال پیروز گردد، و او را در زباله دان کوفه به دار آویزد. در هر روز نوروزی، ما آرزوی فرج داریم؛ چرا که آن از روزهای ما و شیعیان ماست. فارسیان، آن را گرمی داشتند و شما آن را ضایع کردید.

و قال ﷺ: إن نبيا من الأنبياء ﷺ سأل ربه كيف يحيي هؤلاء القوم الذين خرجوا، فأوحى الله إليه أن يصب الماء عليهم في مضاجعهم في هذا اليوم، وهو أول يوم من سنة الفرس، فعاشوا وهم ثلاثون ألفاً، فصار صب الماء في النوروز سنة. (ترجمه) و فرمود: یکی از پیامبران بنی اسرائیل، از خداوند پرسید چگونه مردمانی را که خارج شدند، زنده می کند؟ خداوند بدو وحی کرد که در نوروز، آب بر قبر آنان بپاشد و آن، اولین روز سال فارسیان است و آنها زنده شدند، در حالی که سی هزار نفر بودند. از همین جا پاشیدن آب در نوروز، سنت شده است.

کلینی در «الکافی» چنین روایت می کند: عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زياد و أحمد بن محمد جميعاً، عن ابن محبوب، عن ابراهيم الكرخي، قال: سألتُ أبا عبد الله ﷺ عن الرجل تكون له ضيعة، فإذا كان يوم المهرجان أو الثَّيروز، أهدوا إليه الشيء ليس هو عليهم، يتقربون بذلك إليه. فقال ﷺ: «أليس هم مُصلِّين؟». قلتُ: بلى. قال: فليقبل هديّتهم و لِيُكافِهِم؛ فإنَّ رسول الله ﷺ قال: «لو أهدى إليّ كراع لقبلتُ، و كان ذلك من الدين، ولو أنّ كافراً أو منافقاً أهدى

إِلَيَّ وَسَقًا مَا قَبَلْتِ، وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ، أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِي زَبَدِ الْمُشْرِكِينَ
وَالْمُنَافِقِينَ وَطَعَامِهِمْ.

ترجمه: ابراهیم کرخی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که: شخصی مزرعه ای دارد. روز مهرگان یا نوروز، هدایایی به او داده می شود و قصد تقرب جُستن به وی را ندارند [آیا بپذیرد؟]. فرمود: آیا نمازگزار هستید؟ گفتم: آری. فرمود: باید هدیه آنان را بپذیرد و تلافی کند. به درستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر برایم ران بُزی هدیه آورند، می پذیرم و این، جزو دینداری است و اگر کافر یا منافقی ران گاو یا گوسفندی برایم هدیه آورد، نخواهم پذیرفت و این هم جزو دینداری است. خداوند، خوراک و دستاورد مشرک و منافق را برای ما روا نداشته است.

نعمان بن محمد تمیمی در کتاب «دعائم الاسلام» روایت می کند: عنه [علی] علیه السلام: أَنَّهُ أَهَدَى إِلَيْهِ فَالْوَجْجَ، فَقَالَ: مَا هَذَا؟ قَالُوا: يَوْمَ نِيرُوزٍ. قَالَ: فَتَنْبِرُوزًا إِنْ قَدَرْتُمْ كُلَّ يَوْمٍ [یعنی تهادوا و تواصلوا فی الله] **ترجمه:** برای علی علیه السلام فالوده هدیه آوردند. فرمود: «این چیست؟». گفتند امروز، نوروز است. فرمود: اگر می توانید، هر روز را نوروز سازید (یعنی به خاطر خداوند، به یکدیگر هدیه بدهید و به دیدار یکدیگر بروید).

شیخ صدوق در «کتاب من لایحضره الفقیه» آورده است: أتى علی علیه السلام بهدية الثَّيْرُوزِ، فَقَالَ علیه السلام: «ما هذا؟». قَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! الْيَوْمَ الثَّيْرُوزِ. فَقَالَ علیه السلام: «إِصْنَعُوا لَنَا كُلَّ يَوْمٍ نِيرُوزًا». **ترجمه:** برای امام علی علیه السلام هدیه نوروز آوردند. فرمود: «این چیست؟». گفتند: ای امیرمؤمنان! امروز، نوروز است. فرمود: هر روز ما را نوروز سازید!

همو نقل می کند که حضرتش بعد از مطبوع دیدن غذای نوروز (سمنو) فرمود:
روی آنه قال ﷺ: نورزوا لنا كل يوم. ترجمه: روایت شده است که علی ﷺ

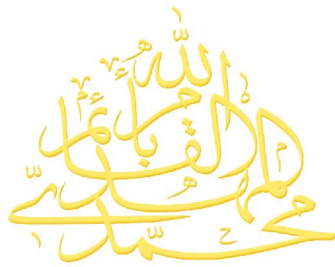
فرمود: هر روز برای ما را نوروز کنید. (اشاره به مورد پسند بودن
در آن زمان بسیاری از مردم به خدمت علی ﷺ هدیه نوروزی می برده اند و آن
حضرت قبول می فرمودند. هدیه ها غالبا عبارت بودند از شکر، پالوده، سمنو که
در ظرفهایی از نقره می گذاشتند و به خدمت آن حضرت می بردند.

آورده اند که در نوروز، جای سیمین، پر از حلوا، برای پیغمبر ﷺ هدیه آوردند.
آن حضرت پرسید: «این چیست؟». گفتند: امروز، روز نوروز است. پرسید:
«نوروز چیست؟» گفتند: عید بزرگ ایرانیان است. فرمود: «آری در این روز بود
که خداوند، عسکره را زنده کرد». پرسیدند: عسکره چیست؟ فرمود: «عسکره،
هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ، ترك دیار کرده، سر به بیابان نهادند و
خداوند به آنان فرمود: "بمیرید" پس مردند. پس آنان را زنده کرد و ابرها را امر
فرمود که بر آنان بارند. از این روست که سنت آب پاشیدن [در نوروز]، رواج
یافته است». آن گاه از حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب قسمت کرد و
فرمود: کاش هر روز برای ما نوروز بود.

سیدبن طاووس درباره نوروز می نویسد: هنگامی که آغاز آفرینش جهان هستی
در مثل چنین روزی است، شایسته است این روز به عنوان روز عید و شادی
تلقی گردد.



آغاز سال ۱۳۹۴ هجری شمسی



ساعت تحویل سال ۱۳۹۴

ساعت عبور شمس از نقطه اعتدال ربیعی و خط رأس السنه شمسی و نوروز و تحویل سال نو ۱۳۹۴ هجری شمسی به وقت مکه مکرمه: ساعت ۰۱:۴۵ شنبه ۳۰ جمادی الاولی ۱۴۳۶ هجری قمری، ۱۴۸۹ میلادی محمدی صلی الله علیه و آله، ۱۲۵۴۰ آفرینش آدم علیه السلام، ۱۱۷۶ عصر صاحب الزمان علیه السلام، ۸ آذار تقویم ذوالقرنین و ۲۱ مارس ۲۰۱۵ میلاد مسیح علیه السلام.

عُبر شمس از نقطه اعتدال ربیعی و خط رأس السنة شمسی که به آن نوروز و تحویل سال نومی گویند؛ يك واقعه فلکی کلان بوده، که تنها اختلاف ساعت منطقه ای در آن لحاظ شده، اما در آن طلوع و غروب دخالت نداشته و لذا وقت تحویل به افق محلی معنی ندارد، و در صورت ذکر آن (وقت تحویل به افق محلی) در تقویمی؛ این امر صورت علمی نداشته، و ناشی از اشتباه موضوع با وقایع فلکی خُرد می باشد، که در آن طلوع و غروب دخالت دارد.

از این رو همه کشورهایی که ساعت منطقه ای آنها با ساعت منطقه ای مکه مکرمه متفاوت است، به همان مقدار تفاوت ساعت منطقه ای اختلاف ساعت تحویل دارند، و شهرهای آن کشور در این اختلاف ساعت یکسان هستند.

بنابراین کلیه شهرهای عربستان همان ساعت تحویل در حرمین شریفین را داشته، همچنانکه شهرهای عراق همان ساعت تحویل شهرهای مقدس عراق را داشته، و کلیه شهرهای ایران همان ساعت تحویل شهر مشهد مقدس را دارد، و برای شهرهای بقیه کشورهای جهان از جدول اختلاف ساعات استفاده شود.

ساعت تحویل درشت بهشت (وقت منطقه ای)

مکه	مدینه	کربلای	نجف	کاظمین	سامرای	مشهد	بیت
مکرمه	منوره	معلا	اشرف	شریفین	غریب	مقدس	المقدس
۰۱:۴۵	۰۱:۴۵	۰۱:۴۵	۰۱:۴۵	۰۱:۴۵	۰۱:۴۵	۰۲:۱۵	۰۰:۴۵

اختلاف ساعات بلاد با ساعت جهانی مکه مکرمه

❖ مرکز خشکی کره زمین بیت الله الحرام و مکه مکرمه می باشد، لذا همین نقطه را نصف النهار مبدأ، و ساعت مبنای تقویم نجومی **بنیاد حیات اعلی** قرار داده و اختلاف ساعت بقیه نواحی کره زمین را نسبت به **کعبه مشرفه** ذکر می کنیم.

❖ مقدار اختلاف ساعت بلاد با ساعت مکه مکرمه در جدول ذیل مشخص شده و افزایش آن نسبت به ساعت مکه مکرمه با علامت (+) و کاستن آن با علامت (-) اشاره شده است.

ساعت واقعه به ساعت مکه (+ یا -) تفاوت ساعت هر محل با مکه = ساعت واقعه به ساعت هر محل

❖ **تفاوت ساعت فصلی:** در برخی کشورها در بهار یا فصل دیگر يك ساعت یا بیشتر ساعتها را به جلو می کشند، مقدار و زمان این تغییر ساعت در همه کشورها یکسان نبوده، و برخی هم انجام نمی دهند، ولذا در جدول اختلاف ساعت جهانی در نظر گرفته نمی شود. بنابراین در ایران که تفاوت ساعت همیشگی اش با مکه مکرمه نیم ساعت است، از ابتدای فصل بهار تا آخر تابستان (که يك ساعت، ساعتها به جلو کشیده می شود) باید ۱.۵ ساعت به ساعتها تقویم اضافه شود تا وقت فلکی مطلوب بنا بر ساعت محلی تابستانی ایران بدست آید.

+۹	نیوزیلند - جزایر مارشال- کریاتی- فیجی- شرق روسیه (Petropavlovsk)
+۸	جزایر سلیمان - وانواتو - شرق روسیه (ماگادان)
+۷	شرق استرالیا(سیدنی)- تاسمانیا- گینه نو-میکرونزی-گوام-شرق روسیه(Vladivostok)
+۶.۳۰	استرالیا مرکزی (آدلاید - داروین)
+۶	ژاپن- کره شمالی و جنوبی- شرق اندونزی(دیلی) - شرق روسیه(Yakutsk)
+۵	غرب استرالیا(پرت)-چین-ماکانو-هنگ کنگ-مغولستان-برونئی-فیلیپین-مالزی-تایوان-روسیه(بایکال)
+۴	غرب اندونزی- تایلند- لائوس- کامبوج- ویتنام- روسیه (Novosibirsk)
+۳.۳۰	برمه (میانمار) - جزایر کوکوس
+۳	بنگلادش- بوتان- قرقیزستان - نیمه شرقی قزاقستان(آستانه)- روسیه (Omsk)
+۲.۴۵	نپال
+۲.۳۰	هند - سریلانکا - جزایر نیکوبار
+۲	پاکستان-ترکمنستان-تاجیکستان- ازبکستان-غرب قزاقستان(ساگیر)-مالدیو-روسیه(Pern)
+۱.۳۰	افغانستان
+۱	عمان-امارات-آذربایجان-ارمنستان-تخجوان-گرجستان-روسیه(Ishevsk)- روسیه(Samara)
+۰.۳۰	ایران
KMT	حجاز (عربستان)- عراق- بحرین- کویت - قطر - یمن - اریتره - جیبوتی- اتیوپی- سودان - سومالی- کنیا - اوگاندا - ماداگاسکار- قمر-تانزانیا- غرب روسیه (مسکو)
۱-	ترکیه-قبرس-سوریه-لبنان-فلسطین-اردن-مصر- لیبی-رواندا-شرق کنگو-مالاوی-زامبیا- موزامبیک-زیمبابوه-بوتسوانا-آفریقای جنوبی- برونڈی-لسوتو-سوازیلند-یونان-رومانی- بلغارستان-مولداوی-اوکراین-بلاروس-لیتوانی-لاتویا-استونی-فنلاند-سوئد
۲-	تونس-الجزایر-مالت-چاد-نیجر-نجریه-نپین-آفریقای مرکزی-کامرون-غرب کنگو-گابون-زئیر- آنگولا-نامیبیا-گینه استوایی-آلبانی-مقدونیه-کرواسی-صربستان-بوسنی-سنجق-کوزوو-اسلوانیا- ایتالیا-فرانسه-اسپانیا-آلمان-دانمارک-ملژیک-لهستان-مجارستان-تروز-سوئیس-اتریش-چک-هلند
۳-	پرتغال-انگلستان-ایرلند-اسکانلند-ایسلند- مراکش-جزایر قناری-صحرا-موریتانی-مالی- سنگال-بورکینافاسو-گینه-ساحل عاج-گینه بیسائو-گامبیا-سیارالئون-لیبریا-چانا-توگو-غنا
۴-	جزایر Cape Verd- جزایر Azores- شرق گرینلند(اسکورسی)
۵-	جزایر جورجیای جنوبی(گرینویک)-جزایر مارتین واس-آتل داس روکاس(برزیل)-میانه اقیانوس آرام
۶-	گرینلند- شرق برزیل(برازیلیا) - آرژانتین - اروگوئه - سورینام
۷-	گویان - برزیل مرکزی(Manaus) - بولیوی-پاراگوئه-دمینکن - شیلی - شرق کانادا(کبک) - (ونزولا ۰.۲۰-)
۸-	آمریکا(نیویورک) - کوبا - جامایکا - هائیتی - پاناما- کلمبیا - اکوادور - پرو - غرب برزیل(پوکادواکره)
۹-	آمریکا(دالاس) - مرکز کانادا(Winnipeg) - مکزیک - گواتمالا-هندوراس-السالوادور - بلیز-نیکاراگوئه-کاستاریکا
۱۰-	ایالات متحده آمریکا (Denver) - غرب کانادا (Edmonton) - غرب مکزیک (لاپاز)
۱۱-	ایالات متحده آمریکا (لوس آنجلس) - غرب کانادا (Vancouver) - جزایر پیت کایرن
۱۲-	آلاسکا
۱۳-	جزایر پلی نزی فرانسه- جزایر Hawadan هاوایی (آمریکا) - (ساموا ۱۴-)

آئین هنگام نوروز

محدث نوری در «مستدرک الوسائل» به نقل از حسین بن حمدان از مفضل جعفی از حضرت امام صادق علیه السلام، در حدیث مفصّلی آورده است، از جمله آن: فأوحی الله الیه: «یا حزقیل! هذا یوم شریف عظیم قدره عندی، و قد آلت أن لا یسألنی مؤمن فیہ حاجة الا قضیتها فی هذا الیوم و هو یوم نیروز. (ترجمه): خداوند بر حزقیل وحی فرستاد که: این روز، روزی گرمی و بلند مرتبه نزد من است. با خود عهد کرده ام؛ هر مؤمنی در این روز از من حاجتی بخواهد، آن را برآورده سازم، و آن روز، نوروز است.

تحویل سال نو

تکبیر: پیامبر اکرم در مورد یاد و ذکر خدا در اعیاد چنین می فرماید: «زینوا اعیادکم بالتکبیر» اعیاد خود را با یاد و ذکر عظمت خدا **الله اکبر** زینت دهید.

دعا: برای هنگام تحویل و لحظه حلول سال جدید، با این دعا خداوند را می خوانند:

اللَّهُمَّ یا مقلب القلوب و الأبصار، ثبت قلوبنا و أبصارنا علی دینک
 اللَّهُمَّ یا مصرف القلوب و الأبصار، صرّف قلوبنا الی طاعتک و نور
 أبصارنا بالقرآن، و یا محول الحول و الأحوال حول حالنا الی أحسن الحال
 علامه مجلسی رحمته الله خواندن این دعا را در نوروز مناسب دانسته است: اللَّهُمَّ هذه سنة جدیدة و
 انت ملک قدیم أسألک خیرها و خیر ما فیها و اعوذبک من شرها و شر ما فیها و استکفیک
 مؤنتها و شغلها یا ذالجلال و الاکرام. بارالها! این سال جدید است و تو خدایی ازلی و قدیم
 هستی. خیر این سال و خیر آنچه را در این سال پیش می آید، از تو خواستارم و از شر این سال
 و شر آنچه در این سال پیش خواهد آمد، به تو پناه می برم...



هفت سین الهی

مقداری زعفران را حل نموده و با آن این آیات هفتگانه قرآنی را بر داخل کاسه چینی بنویسند و بعد از تحویل سال با ریختن مقداری آب فرات یا زمزم یا آب باران و چشمه یا گلاب؛ بشویند و از آن آب بنوشند، و آیات مزبور چنین است:

سلام قولا من رب رحیم

سلام علی نوح فی العالمین

سلام علی ابراهیم

سلام علی موسی و هارون

سلام علی آل یاسین

سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین

سلام هی حتی مطلع الفجر

اعمال و آداب عید نوروز

غسل، روزه، خوشبو نمودن، پوشیدن لباس پاکیزه، نماز و دعا

شیخ طوسی در «مصباح المتهدج» چنین آورده است: عن المُعَلَّى بنِ خُنَيسٍ، عن مولانا الصادق عليه السلام في يوم النُّورِوز، قال عليه السلام: إذا كان يوم النُّورِوز، فاغتسل و البس أنظف ثيابك و تطيب بأطيب طيبك و تكون ذلك اليوم صائماً، فإذا صلّيت النوافل والظهر والعصر فصلّ بعد ذلك أربع ركعات، تقرأ في أوّل كلّ ركعة فاتحة الكتاب و عشر مرّاتٍ «إنا أنزلناه في ليلة القدر»، و في الثانية فاتحة الكتاب و عشر مرّاتٍ «قل يا أيها الكافرون»، و في الثالثة فاتحة الكتاب و عشر مرّاتٍ «قل هو الله أحد»، و في الرابعة فاتحة الكتاب و عشر مرّاتٍ «المعوذتين»، و تسجد بعد فراغك من الركعات سجدة الشكر و تدعو فيها، يغفر لك ذنوب خمسين سنة.

امام صادق عليه السلام در روز نوروز فرمود: هنگامی که نوروز شد، غسل کن و لباس پاکیزه بپوش و خودت را خوشبو ساز و آن روز را روزه بدار. پس هنگامی که نماز ظهر و عصر و نافله های آن را به جای آوردی، نمازی چهار رکعتی بگزار که در رکعت اوّل آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره قدر را می خوانی. در رکعت دوم آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره کافرون را می خوانی. در رکعت سوم آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره توحید را می خوانی و در رکعت چهارم، سوره حمد را با سوره های فلق و ناس. پس از نماز هم سجده شکر می گزاری و دعا می کنی و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ صَلِّ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ.

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَوَسَّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيْبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ وَ مَا فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا أَتَكَلَّفَ مَا لَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و بسیار بگو: یا ذالجلال و الاکرام. گناهان پنجاه سالهات بخشوده می شود.

هدیه و عیدی دادن: از امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین نقل شده که فرمودند «اتی علی علیه السلام بهدیه النیروز فقال علیه السلام ما هذا؟ فقالوا یا امیرالمؤمنین الیوم النیروز! فقال علیه السلام اصنعوا ن کل یوم نیروزا.

در روز نوروز هدیه ای برای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آورده شد. حضرت فرمودند این هدیه چیست؟ آنان پاسخ دادند ای امیرمؤمنان، امروز نوروز است، امام علی علیه السلام فرمودند: هر روز را برای ما نوروز کنید.

تذکر مهم

کل یوم لا یعصی الله تعالی فیہ فهو یوم عید: هر روزی که در آن روز، معصیت خدا نشود و گناهی انجام نگیرد، پس آن روز؛ روز عید است.

از سوید بن غفله نقل شده است که گفت: در روز عید بر امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شدم و دیدم که نزد حضرت نان گندم و خطیفه (نان شیرمال) و ملبنه (حلوا شکری) است. پس به آن حضرت عرض کردم: روز عید و خطیفه؟! حضرت فرمود: «انما هذا لمن عید من غفرله»؛ این عید کسی است که آمرزیده شده است.

مبارک باد بهار و بهار با ما مبارک باد بهار
بهار و بهار با ما مبارک باد بهار
بهار و بهار با ما مبارک باد بهار

مبارک باد عید عید آمدن بهار

ماتر

ما با آمدن بهار مبارک باد
و این همه گل و گیاه و درخت
سازد باستان و تو هم بدست
بهار خرم و شادمانی نو بهار

سهر سادات



تقویم شمسی اسلامی

مبدأ تاریخی این تقویم شمسی، سال هجرت حضرت رسول الله (صلي الله عليه وآله) می باشد. ولذا به تاریخ هجری شمسی نامیده شده، و با علائم اختصاری ه. ش مشخص می گردد. در تقویم فعلی ایران آغاز هر سال لحظه وقوع اعتدال ربیعی و آغاز فصل بهار و همان لحظه ورود و تحویل شمس به برج حمل است که برای تعیین روز اول سال اگر تحویل شمس به برج حمل قبل از ظهر نصف النهار مرکزی و رسمی ایران (۲۰° درجه در شرق نصف النهار گرینویچ که از نزدیک تهران عبور می کند) باشد؛ آن روز روز یکم فروردین و روز نوروز محسوب می شود، و اگر بعد از ظهر نصف النهار مرکزی ایران باشد؛ فردایش روز اول سال است و کیسه هر سال طبق فاصله ساعت تحویل سال با ظهر حقیقی مرکز ایران در نظر گرفته می شود. در روز اول سال طول شب و طول روز مساوی است.



از تقویم پارسیان باستان تا تقویم شمسی اسلامی



بنیان این تقویم در ایران قدمتی دیرینه دارد و به زمان قبل از اسلام و عصر زرتشت می‌رسد، البته چون پارسیان قدیم مبدأ آن را به تخت نشستن یا هلاکت پادشاهان خود قرار می‌دادند، آخرین مبدأ به تاریخ یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی قرار داده شده بود و به سال یزدگردی نامیده می‌شد.

در تقویم پارسیان ۳۰ روز ماه را نامگذاری کرده بودند و هفته نداشتند. در آن تقویم آغاز سال نیز اعتدال بهاری و نوروز بوده است. در آن ۱۲ ماه ۳۰ روزه داشتند و ۵ روز هم با نام خمسه مستترقه (پنجه

دزدیده) به آخر آبان یا اسفند اضافه می‌کردند و کبیسه نمی‌کردند.

طول سال ۰/۲۵ روز از مقدار واقعی کمتر بود و به خاطر آن هر ۱۲۰ سال يك ماه به سال آخر مي افزودند، و این باعث شده بود که نوروز از جاي خودش تغییر کند، آشفته‌گی‌های تقویمی دوران جاهلیت (قبل از اسلام) در میان فارس و عرب هر دو بوده، عربها گرفتار نسیء بودند، و فارسها گرفتار مشکل پنجه و کبیسه غیر دقیق که موجب شده بود در طول تاریخ؛ نوروز در حرکت بوده و گاهی در بهار گاهی در فصل گرما و گاهی در پاییز و گاهی در زمستان باشد.

با طلوع اسلام و استقبال مردم ایران از آن، هر چند تقویم قمری اسلامی در میان ایرانیان جاي خود را باز کرد، ولی تقویم شمسی که محور برنامه های زندگی روزمره و امور دنیوی مردم ایران بود، نیز همچنان متداول ماند.

همچنین آشنایی ایرانیان با کلام وحی که در آن گاهشماری شمسی مطرح شده بود، و کلام خازنان وحی (علیهم السلام) که در آن بعضی از احکام اختیارات را به ملاحظه مخاطبین با تقویم ماههای پارسیان بیان فرموده بودند، و یا آنچه از سوی مکتب وحی در باب اهمیت نوروز مورد تأیید قرار گرفته بود، همه اینها موجب ادامه و تحکیم ارتباط ایرانیان با کلیت تقویم شمسی گردیده بود. ولی از سوی دیگر اشتباهات تقویم پارسیان قدیم که به نوعی گرفتار نسیء (که در اسلام از آن مذمت شده) بود مانع رسمیت و استقرار آن می شد.

از این رو در دوران اسلامی و شکوفایی علوم از جمله نجوم؛ با همت علمای اسلام؛ علم فلك و تقویم سامان گرفته و زیجها منضبط و استوار گردیده و مبانی تقویم شمسی صحیح و دقیق طراحی شد.

در زمان معتضد عباسی اشکالات فاحش تقویم پارسیان قدیم برطرف گردید.

در زمان حکومت جلال الدین ملکشاه سلجوقی؛ اشکالات محاسبه ای تقویم بطور کلی تصحیح؛ و کبیسه های جلالی را برای آن مقرر کردند، مبدأ تقویم هم که از ابتدای طلوع اسلام تاریخ هجری اسلامی شده بود، برای نام ماهها نام بروج فلکی جایگزین

نامهای زرتشتی گردید، البته گاهی به مناسبت زبان حکام (ترك) از نامهای ترکی بروج تقویم ختائی نیز استفاده می شد. ولی به هر حال نامهای زرتشتی ماهها کلا ملغا گردیده، و فقط در تقاویم و کتب نجومی مفصل ذکر می شد، و نام بروج فلکی نام رسمی ماهها شد.

بعد از آن کاربرد تقویم جلالی تا امروز استمرار یافت، تنها تغییر حاصله در این تقویم؛ نسبت به نام ماهها انجام گرفته است که در دوران پهلوی اول به نامهای زرتشتی قدیمی تغییر داده شد، این تغییر طی يك برنامه مرحله بندی شده برای جداکردن ایران و ایرانیان از اسلام بود، در عهد پهلوی اول؛ ابتدا تقویم هجری قمری که رسمیت داشت ملغا گردیده، سپس با تغییر نام ماهها در تقویم جلالی از بروج فلکی به زرتشتی؛ آنرا به عنوان تقویم خورشیدی مطرح و رسمی کردند، و در عهد پهلوی دوم مبدأ تاریخ اسلامی هجری را برداشتند، و مبدأ شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله برای آن اعلام کردند، با این اقدام تمامی نشانهها و نمادهای ارزشی اعتقادی مردم ایران به اسلام از تقویم ایرانیان برداشته شده بود، البته این اقدام از سوی مراجع دینی و مردم مسلمان با مخالفت و اعتراض و مقاومت شدید روبرو گردید، و بعد از آن با پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران بر علیه حکومت شاهنشاهی دو هزار و پانصدساله، تقویم شاهنشاهی خودبخود منسوخ و با تشکیل جمهوری اسلامی آن تقویم بطور رسمی هم ملغا گردید، و بار دیگر تقویم رسمی ایران به مبدأ اسلامی و هجری بازگشته، و تنها تغییرات دوران پهلوی اول به حال خود باقی ماند.



روش استخراج تقویم شمسی و محاسبه کبیسه جلالی

تقویم هجری شمسی یکی از تقویمهای معدودی است که در دوره منجمان اسلامی دقیق طراحی شده است و در این تقویم ساختار سال کبیسه بسیار پیچیده است و آنرا به دقیقترین تقویم خورشیدی ملتها تبدیل کرده است. در تقویم جلالی که پایه اساسی تقویم هجری شمسی محسوب می‌شود سال ۳۶۵ روز است و در سالهای کبیسه ۳۶۶ روز می‌شود در این تقویم، از دوره‌ای ۱۲۸ ساله برای برقراری کبیسه‌های صحیح استفاده می‌شود.

اگر سال‌های گاهشماری را ۳۶۵ شبانه‌روز در نظر بگیریم و هر ۴ سال یک‌بار کبیسه بگیریم، یعنی طول سال را ۳۶۵ روز و ۶ ساعت در نظر گرفته ایم که هر ۴ سال یک روز کبیسه اضافی ایجاد می‌شود در حالی که طول واقعی سال ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه است و این اختلاف در هر دوره ۱۲۸ ساله تقریباً معادل یک روز می‌شود پس در هر ۱۲۸ سال باید یک روز از طول یکی از سال‌های کبیسه را حذف کرد تا طول سال متوسط سال‌های گاهشماری با طول متوسط سال‌های حقیقی خورشیدی برابر شود. منجمان پس از شش یا هفت بار کبیسه ۴ ساله، یک‌بار کبیسه پنج ساله را حساب می‌کنند. بنابراین حذف یک روز اضافی به تدریج در طول دوره ۱۲۸ ساله انجام خواهد شد. در واقع هر دوره ۱۲۸ ساله شامل یک دوره ۲۹ ساله و سه دوره ۳۳ ساله خواهد بود (شامل دوره‌های ۲۹، ۳۳، ۳۳، ۳۳، ۳۳ ساله: $۳۳ + ۳۳ + ۳۳ = ۱۲۸$) و در هر دوره ۳۳ ساله ۷ بار کبیسه ۴ ساله و یک بار کبیسه ۵ ساله است و در دوره ۲۹ ساله ۶ بار کبیسه ۴ ساله و یک بار کبیسه ۵ ساله.

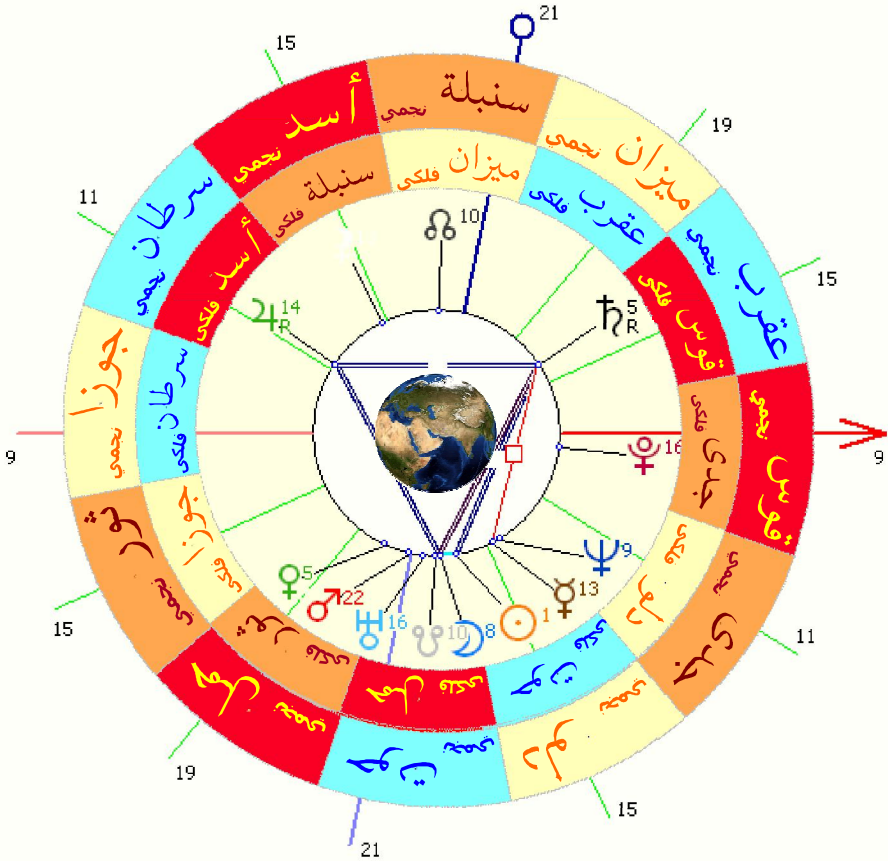
میانگین طول سال مقدراری متغیر است و در دوره اخیر منجمین دوره ۱۳۲ ساله نیز برای دقت بیشتر به آن اضافه کرده اند و زمانها به دوره های اصلی ۱۲۸ ساله یا دوره ۱۳۲ ساله (شامل دوره های ۲۹، ۳۳، ۳۳، ۳۷ ساله: $۱۳۲ = ۲۹ + ۳۷ + ۳۳ \times ۲$) تقسیم می شوند. یک دوره اصلی بزرگ مشتمل بر ۲۱ دوره ی ۱۲۸ ساله متوالی و یک دوره ی ۱۳۲ ساله است که در مجموع ۲۸۲۰ سال می شود. ($۲۸۲۰ = ۱۳۲ + ۱۲۸ \times ۲۱$) دوره ۱۳۲ سالی در آخر دوره ۲۸۲۰ سالی قرار دارد. اولین دوره ۲۸۲۰ ساله در سال (۲۳۶۰-) آغاز شده است و سال ۶۶۰ هجری شمسی (۴۷۴ هجری قمری) به اتمام رسیده که سال مبدا کبیسه گیری جدید می باشد و سال تاسیس تقویم جلالی و انتهای دوره ۲۸۲۰ سالی که در آن هستیم در سال ۳۲۸۰ شمسی خواهد بود. هر دوره اصلی بزرگ ۲۸۲۰ ساله شامل ۲۱۳۷ سال معمولی ۳۶۵ روزه و ۶۸۳ سال کبیسه ۳۶۶ روزه می شود که طول متوسط سال در آن (در دوره بزرگ) $۲۴۴۱۹۸۵۲ / ۳۶۵$ روز است. آنقدر این عدد به سال شمسی حقیقی $۲۴۴۱۶۸۷۸ / ۳۶۵$ روز نزدیک است که در هر ۳۰۸ میلیون سال تنها ۱ روز خطا در تقویم رخ می دهد. در هیچ یک از تقاویم جهان ضریب دقت این قدر بالا نبوده، و مقدار خطا این قدر پائین نمی باشد و البته اگر این تفاوت یکروزه در هر ۳۰۸ میلیون سال نیز رعایت شود، خطایی باقی نخواهد ماند، و این می شود کبیسه چهارمیلیونی تقویم جلالی.

تقویم ایران امروز: اسلوب تقویم فعلی ایران مانند تقویم جلالی است و زمان تحویل شمس به برج حمل (تحویل سال) با ظهر شرعی نصف النهار مرکزی ایران مقایسه می شود که اگر بعد از ظهر بود آن روز آخر سال محسوب می شود و اگر قبل از ظهر بود همان روز نوروز است.



طالع تحویل سال ۱۳۹۴

ساعت تحویل شمس به برج حمل در مکه مکرمه: ۳۰ جمادی الاولى ساعت ۰۱:۴۵



مختصات فلکی کواکب و بیوت در طالع تحویل سال

بروج طالع و غارب: هنگام تحویل سال دهمین قسمت از دایره منطقه البروج برج جدی از مثلثه خاکی و بیت زحل طالع است و در مکه مکرمه درجه نهم جدی و وجه اول مشتری و حد عطارد در سمت مشرق است؛ خداوند طالع زحل و ارباب مثلثات (برای برج طالع جدی) به شب قمر و زهره و مریخ است و درجه نهم برج سرطان در افق غربی منطبق بر "غارب" می باشد.

بروج وسط السماء و وتد الأرض: برج میزان منطبق بر وسط السماء و در مکه مکرمه درجه ۲۱ و وجه مشتری و حد عطارد در عاشر (بیت دهم) است و درجه ۲۱ برج حمل در رابع (وتد الأرض) است.

اوتاد مایل و زایل: درجه ۱۱ دلو منطبق بر بیت دوم؛ و درجه ۱۵ حوت بیت سوم؛ درجه ۱۹ ثور بیت پنجم؛ درجه ۱۵ جوزا بیت ششم؛ درجه ۱۱ اسد بیت هشتم؛ درجه ۱۵ سنبله بیت نهم؛ درجه ۱۹ عقرب بیت یازدهم؛ درجه ۱۵ قوس بیت دوازدهم است.

شمس: تحویل به درجه اول برج حمل؛ و در بیت سوم در ترخ خود؛ با اجتماع قمر و تثلیث زحل؛ **قمر:** درجه ۸ برج حمل؛ و در بیت سوم در فرح؛ با اجتماع شمس و تثلیث سعد اکبر مشتری و تثلیث نحس اکبر زحل و مجاسده دنب؛ **عطارد:** درجه ۱۳ حوت در نحوست وبال و هبوط؛ و در بیت دوم؛ به نحوست تربیع با زحل و نحوست تشریق؛ **زهره:** در خانه اش ثور درجه پنجم و در حد زهره؛ و در بیت چهارم؛ به سعادت تغریب؛ **مریخ:** در خانه اش حمل به ۲۲ درجه و در حد مریخ؛ و بیت سوم؛ با ضعف تغریب؛ **مشتری:** در درجه ۱۴ اسد و در مثلثه و وجه خویش؛ و بیت هشتم؛ به نحوست تراجع و تغریب و در تثلیث زحل؛ **زحل:** درجه ۵ قوس و بیت سعادت ۱۱؛ به نحوست تراجع و سعادت تشریق؛ **رأس:** در درجه ۱۰ میزان و بیت عاشر.

جدول مختصات فلکی کواکب و بیوت در طالع تحویل سال

جایگاه کواکب در بروج فلکی (استوایی) و در بیوت و احوالشان

شمس	قمر	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	رأس	ذنب	اورانوس	نپتون	پلوتون
☉	☾	♁	♀	♂	♃	♄	♅	♆	♇	♈	♉
۰	۸	۱۳	۵	۲۲	۱۴	۵	۱۰	۱۰	۱۶	۹	۱۶
حمل	حمل	حوت	ثور	حمل	اسد	قوس	میزان	حمل	حمل	حوت	جدی
بیت ۳	بیت ۳	بیت ۲	بیت ۴	بیت ۳	بیت ۸	بیت ۱۱	بیت ۹	بیت ۳	بیت ۳	بیت ۲	بیت ۱
شرف سریع ترح	تحت الشعاع سریع فرح	هبوط وبال تشریق سریع	خانه حد تغریب سریع در وتد	خانه حد تغریب سریع	مثلثه وجه تراجع تشریق بیت ۱۱ بطیء	تراجع بطیء تشریق بیت ۱۱	بطیء	بطیء	تحت الشعاع سریع	سریع	بطیء در وتد

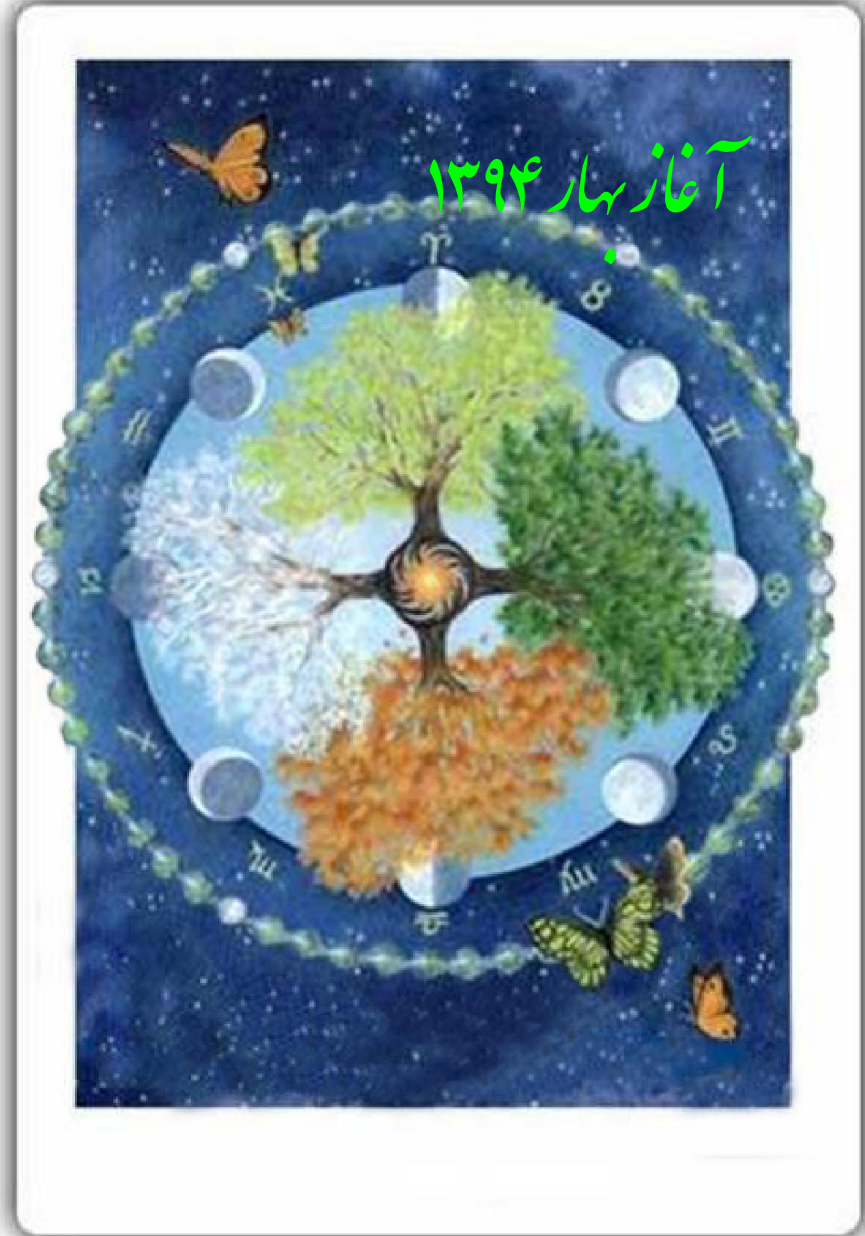
اتصالات کواکب سبعة

شمس	مشتری	عطارد	قمر	قمر	قمر	قمر
تثلیث	تثلیث	تربیع	مقارنه	تثلیث	تثلیث	مقارنه
زحل	زحل	زحل	ذنب	زحل	مشتری	شمس

درجات بیوت در بروج فلکی (استوایی یا اعتدالی)

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۵	۱۹	۲۱	۱۵	۱۱	۹	۱۵	۱۹	۲۱	۱۵	۱۱	۹
قوس	عقرب	میزان	سنبله	اسد	سرطان	جوزا	ثور	حمل	حوت	دلو	جدی

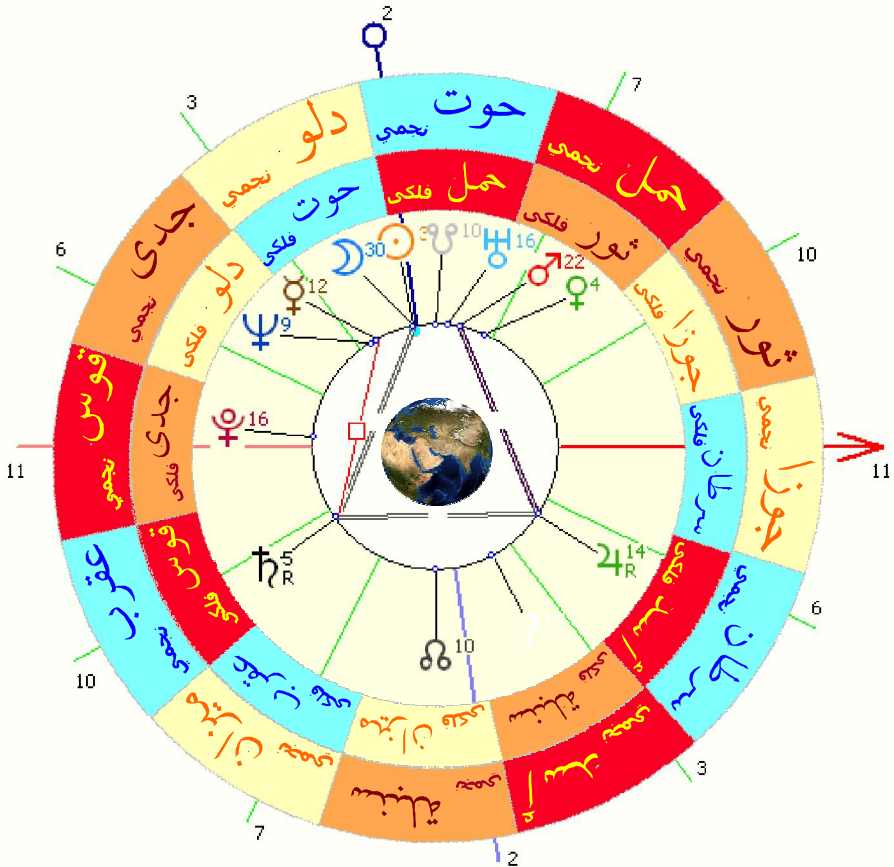
درجات کواکب و بیوت در بروج فلکی (استوایی) بر روی تصویر طالع نیز نمایش داده اند؛ هر کوکبی که در تراجع بوده است در نقشه با علامت R مشخص شده است.



طالع اجتماع قبل از تحویل سال

۲۹ جمادی الاولی ساعت ۱۲:۳۶

در تحلیل طالع سال، طالع اولین اجتماع یا استقبال شمس و قمر در قبل تحویل سال نیز بررسی می شود.



مختصات فلکی کواکب و بیوت در طالع اجتماع

بروج طالع و غارب: هنگام اجتماع شمس و قمر؛ چهارمین قسمت از دایره منطقه البروج؛ برج سرطان از مثلثه آبی و بیت قمر طالع است؛ و در مکه مکرمه درجه یازدهم سرطان و وجه دوم عطارد و حد مشتری در سمت مشرق است؛ خداوند طالع قمر و ارباب مثلثات (برای برج طالع سرطان) به روز زهره و مریخ و قمر است و درجه یازدهم برج جدی در افق غربی منطبق بر "غارب" می باشد.

بروج وسط السماء و وتد الأرض: برج حمل منطبق بر وسط السماء و در مکه مکرمه درجه دوم و وجه مریخ و حد مشتری در عاشر (بیت دهم) است و درجه دوم برج میزان در رابع (وتد الأرض) است.

اوتاد مایل و زایل: درجه ۶ اسد منطبق بر بیت دوم؛ و درجه ۳ سنبله بیت سوم؛ درجه ۷ عقرب بیت پنجم؛ درجه ۱۰ قوس بیت ششم؛ درجه ۶ دلو بیت هشتم؛ درجه ۳ حوت بیت نهم؛ درجه ۷ ثور بیت یازدهم؛ درجه ۱۰ جوزا بیت دوازدهم است.

شمس: درجه ۳۰ برج حوت؛ و در بیت نهم در فرح خود؛ با اجتماع قمر و تثلیث زحل؛ **قمر:** درجه ۳۰ حوت؛ و در بیت نهم در ترح؛ با اجتماع شمس و تثلیث نحس اکبر زحل؛ **عطارد:** درجه ۱۲ حوت در نحوست وبال و هبوط؛ و در بیت نهم؛ به نحوست تربیع با زحل و نحوست تشریق؛ **زهره:** در خانه اش ثور درجه چهارم و در حد زهره؛ و در بیت عاشر؛ به سعادت تغریب؛ **مریخ:** در خانه اش حمل به ۲۲ درجه و در حد مریخ؛ و بیت عاشر؛ با ضعف تغریب؛ **مشتری:** در درجه ۱۴ اسد و در مثلثه و وجه خویش؛ و بیت دوم؛ به نحوست تراجع و تغریب و در تثلیث زحل؛ **زحل:** درجه ۵ قوس و بیت پنجم؛ به نحوست تراجع و سعادت تشریق؛ **رأس:** در ۱۰ میزان و بیت رابع.

جدول مختصات فلکی کواکب و بیوت در طالع اجتماع

جایگاه کواکب در بروج فلکی (استوایی) و در بیوت و احوالشان

شمس	قمر	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	رأس	ذنب	اورانوس	نپتون	پلوتون
☉	☾	♁	♀	♂	♃	♄	♅	♆	♇	♈	♉
۳۰	۳۰	۱۲	۴	۲۲	۱۴	۵	۱۰	۱۰	۱۶	۹	۱۶
حوت	حوت	حوت	ثور	حمل	اسد	قوس	میزان	حمل	حمل	حوت	جدی
بیت ۹	بیت ۹	بیت ۹	بیت ۱۰	بیت ۱۰	بیت ۲	بیت ۵	بیت ۴	بیت ۱۰	بیت ۱۰	بیت ۹	بیت ۷
سر یع فرح	تحت الشعاع سریع ترح	هبوط وبال تشریق سریع	خانه حد تغریب سریع در وند	خانه حد تغریب سریع در وند	مثلثه وجه تراجع تغریب بطیء	تراجع بطیء تشریق	بطیء در وند	بطیء در وند	تحت الشعاع سریع در وند	سریع	بطیء در وند

اتصالات کواکب سبعة

شمس	مشتری	عطارد	قمر	قمر
تثلیث	تثلیث	تریع	تثلیث	مقارنه
زحل	زحل	زحل	زحل	شمس

درجات بیوت در بروج فلکی (استوایی یا اعتدالی)

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۷	۲	۳	۶	۱۱	۱۰	۷	۲	۳	۶	۱۱
جوزا	ثور	حمل	حوت	دلو	جدی	قوس	عقرب	سنبله	میزان	اسد	سرطان

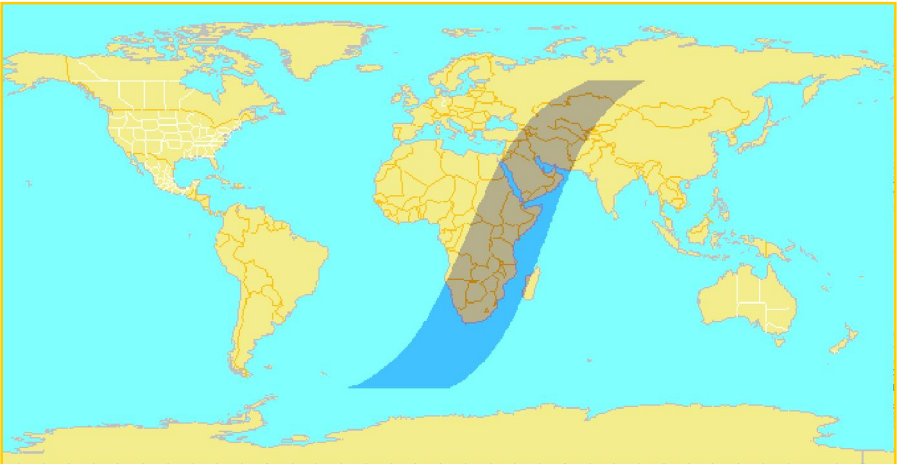
درجات کواکب و بیوت در بروج فلکی (استوایی) بر روی تصویر طالع نیز نمایش شده اند؛ هر کوکبی که در تراجع بوده است در نقشه با علامت R مشخص شده است.

تحلیل طالع سال ۱۳۹۴ هجری شمسی

برج طالع (جدی): برج جدی از بروج منقلب می باشد و هرگاه برج طالع برج منقلب باشد تحلیل طالع برای فصل بهار صدق می کند و برای هر فصل جداگانه باید تحلیل شود؛

توضیح: در بررسی طالع تحویل سال (رسیدن شمس به نقطه شروع برج اعتدالی حمل) و طالع استقبال یا اجتماع قبل آن؛ اگر برج طالع سال؛ برجی منقلب باشد (حمل، سرطان، میزان، جدی)؛ فقط حکم فصل بهار را از آن می کنند و حکم هر فصلی از باقی فصول از طالع تحویل شمس به برج اول آن فصل می کنند؛ و اگر طالع سال برجی ثابت باشد (ثور، اسد، عقرب، دلو)؛ حکم جمله سال را از طالع تحویل سال می کنند؛ و اگر برج ذوجسدین باشد (جوزا، سنبله، قوس، حوت)؛ حکم شش ماه بهار و تابستان از آن طالع می کنند؛ و حکم باقی سال را از طالع تحویل آفتاب به برج میزان (اول پاییز) می کنند.

مناطق با طالع برج جدی در تحویل سال ۱۳۹۴



دلالات برج طالع جدی در تحویل سال:

دلیل بود بر رطوبت و سردی هوا و گشتن ابرها و بادهای درشت و آبها زیاد گردد و بارانها بسیار آید؛ و روائی طعام و نیکوئی حال کسب و معاش و ستد و داد و کشت و زراعت.

پادشاه عراق را از دشمنان خونی بود؛ و در دارالملک او اراجیف (خبرهای دروغ) و احوال (ترس و وحشت) افتد؛ و در حوالی آن ولایت خونهای بسیار ریخته شود.

مردمان را به زنان زیادت رغبت پدید آید و به شهوات میل کنند؛ و به صید کردن و طیش کردن (سبکسری) و دروغ گفتن و ظلم و مکر کردن گرایند. و بدخوئی و درشتی مردمان و منازعتها و خصومتها و رنج باشد و راهها بسیار زنند.

کوکب سالخدا زهره: سالخدا کوکبی است که در طالع باشد یا یکی از اوتاد باشد به شرط آنکه در انجا حظی داشته باشد و اگر در وتد نبود در مایل الودت به شرط داشتن نصیب و اگر نبود از طالع و خداوند طالع نباید ساقط باشد و نیز گفته اند که سالخدا قویترین کوکب در صورت طالع است؛ زهره قویترین کوکب در طالع و در وتد رابع می باشد و سالخداست.

سالخدای زهره دلیل باشد بر آن که: ۱- کار دین و شریعت قوت گیرد، ۲- و رسمهای خوب و شعارهای نیکو و سیاستهای پسندیده ظاهر شود. ۳- بعضی از جمله بزرگان هلاک شوند خاصه از اهل عراق. ۴- حال مردمان نیکو بود، و روی در ترقی آرد و شادیا بود بر عموم، ۵- و حال زنان با شوی نیکو بود و فرزندان بسیار پدید آیند، ۶- و در جمله شهرهای فراخی باشد. ۷- احوال

ستوران نیکو بود و مردمان را از آن بسیار فتح بود، ۸- و هوای سال معتدل بود و بادهای خوش جهند. ۹- حال کشتهها و درختان خوب بود و میوه ها بسیار آید. ۱۰- آبها فراوان گردد و کشتیها را خوف غرق نباشد.

کوکب سالخدا زهره در ثور: کوکب زهره در برج ثور است و این دلیل خارجیان بود، و نکبتها که به زنان ملوک رسد، و بسیاری رعد و برق و باران؛ و چون زهره از تحت الشعاع بیرون آمده است؛ دلالت بر فراخی سال بود و گیاه و نبات بسیار روید و میوه و رز به سلامت بود، و شادی و نشاط و پاکیزگی بود.

رأس در میزان: دلالت بر شادیها باشد بر عموم؛ خاصه مردمان را با زنان؛ و حال زنان بلندی گیرد، و مردان با ایشان رغبت زیادت کنند.

دلالات طی: خداوند بیت طالع (زحل) به خداوند بیت ششم (عطارد) ناظر است (به نظر تربیع) و قمر نیز منحوس است (به تحت الشعاع) و این دلالت دارد بر شیوع بیماریها از جمله بیماریهای واگیردار مانند وبا؛ و طبیعت بیماریها از بیماریهای منسوب به عطارد است؛ مانند دیوانگی و رفتن عقل و وسوسه سوداوی و صرع و سرفه و برجمله بیماریهایی که از غلبه خشکی و تباهی مزاج از آن است.

برج طالع جدی نیز دلیل است بر اینکه بیماریها فراوان افتد از جنس طاعون و دمامیل (دملها)، و بیماریها که از سردی و تری تولد کند.

برخی دلالات طالع اجتماع قبل تحویل سال:

از آنجا که هر کوکبی در طالع اجتماع قبل سال تحویل قوی (قوت ذاتی و عرضی) و در جایگاه عزتش باشد؛ منسوبات او گران می شوند و اگر در جایگاه ضعیف

باشد؛ منسوباتش خوار و ارزان می شوند؛ و در این طالع عطارد در هبوط و وبال و در تشریق است، و در تربیع زحل و نشانه ضعف اوست؛ فلذا منسوبات او نیز خوار و ارزان می شوند مانند آنچه مرکب از دو کیفیت باشد از جمله مخلوط دو طعم و یا مخلوط دو رنگ؛ از گوهرها و سنگها و معادن؛ مروارید و سنگهای زرد یا سبز و زیق و آهک و زرنیخ و کهربا؛ جامه های زربافت و سیمین و ظرفهای طلا و نقره؛ و از جایها بازارها و دیوانها و خانه های نقاشان و آنچه نزدیک بستان و جوی و چشمه است؛ از میوه ها انجیر و خرما و انگور و صعتر و حلبه؛ و درختان سرو و ساج و به و سیب؛ تره ها و آنچه در آب می روید.

همچنین در بیت المال (خانه دوم) کوكب سعد مشتری است و دلیل فراوانی و ارزانی متعلقات برج اسد است که مشتری در آن است؛ مانند خربزه و میوه های شیرین و کشتهایی که نشاندنی هست و تخم و میوه ندارد؛ و از سنگها و فلزات قیمتی لعل و یاقوت و زبرجد و طلا و نقره و چیزهایی که با آتش درست می کنند و از بناها بناهای بلند و جاهای بر کوه مرتفع و شوره زار.



تحلیل تنجیم ختایی و چینی درباره سال ۱۳۹۴ هجری شمسی

سال ۱۳۹۴ (از فروردین تا بهمن ماه) جزو هشتمین سال از دوره اثنی عشری است که آن را به ترکی **قوی ئیل** یعنی **سال گوسفند** می‌نامند و حوادث سال را با طبع گوسفند تطبیق می‌دهند.

در تنجیم کهن ختایی آورده اند که چون سال گوسفند درآید:

سالی سهمگین بُوَد و فتنه و آشوب و حرب در اطراف عالم حادث گردد؛ و میان بعضی کشورها اختلاف و جنگ بود و احتمال جنگ در مردم هندوستان (برحسب تقسیمات قدیم

که مشتمل بر بخشی از پاکستان) می رود؛ و (در تابستان) اراجیف بسیار گویند و میان عوام قیل و قال باشد و لشکرکشی باشد لیکن زود آرمیده گردد. و در میان خلائق ظلم و ستم باشد و خوف و هراس در دل مردم پدید آید و در میان سلاطین افتد.

و مردم راغب خیر باشند و خیرات بسیار کنند؛ و میلشان به طاعات و عبادات باشد و حالتشان نیک باشد و از فساد دور؛ ولی منکوب باشند خاصه مردم کوهپایه؛ حال گوسفندان نیک بود و در بعضی مواضع مرگ چهارپایان باشد و بیشتر مولود نرینه بود؛ و غله ارزان بود و تجارت نافع بود؛ و فوت و موت در خردسالان و همچنین سالخوردهگان فراوان باشد.



آب و هوا: در اول سال آب اندک بود و در آخر بسیار شود و بارندگی بسیار بود و در بحار اندک تشویش رسد؛ زمستان سخت سرما باشد و سرد و طولانی؛ و احتمال اینکه در بعضی جاها کشت و زرع سرما زند؛ و در بهار هوا نکو گذرد و گل و ریاحین بسیار باشد؛ و تابستان سخت و بسیار گرم گذرد و بعضی کشتزار و محصول را آفت رسد و غله را از گرما ضرر رسد و اشجار را آفت رسد؛ و بعضی از طیور را آفت رسد.

متولدین ثلث اول سال: بیشتر مولودهایی که {خوب صورت و پاکیزه سیرت و نیکو خوی بود و فراخ روزی و کم آزار و نیک خواه مردم و نافع مردم و همه کس از او منفعت ببینند و به کار خود دانا بود و بسیار زیرک و باهوش بود و در مقابل سختی و حوادث آرام و صبور باشد} در این وقت دنیا آیند.

متولدین ثلث دوم سال: بیشتر مولودهایی که {بسیار دشمن بود؛ بیباک؛ بی تدبیر و کم حوصله باشد} در این وقت دنیا آیند.

متولدین ثلث آخر سال: بیشتر مولودهایی که {خوش صورت و نیکو محاوره باشد و تیزبین و خود خواه دیر آرزو باشد} در این وقت دنیا آیند.

محققین عصر اخیر تنجیم ختایی و چینی: سال گوسفند (بز) از نظر سیاسی و اقتصادی، سالی بحرانی است؛ اما روابط بین المللی، به رغم بی تدبیری و ناشیگری، متوازن می ماند. باید بی نظمی ها را پشت سر بگذاریم؛ امسال برای هنرمندان و به ویژه هنرپیشگان، سال خوبی خواهد بود.



سال گوسفند برای متولدین هر یک از سالهای ۱۲ گانه ختایی و چینی

برای متولدین سال موش: امسال باید بکوشند تا دوباره موفق شوند امسال آنها می توانند به کارهای ذوقی و هنری پردازند و به موفقیت دست یابند.

برای متولدین سال گاو: ممکن است سال بدی در پیش باشد؛ و عصبانی و ترشو خواهد بود.

برای متولدین سال ببر: بخت او در سفر است؛ بهتر است به دور دنیا سفر کند
برای متولدین سال خرگوش (گره): او خوش و خرم خواهد بود و ناامیدی و شکست آرامش و آسایش زندگی او را به خطر نمی اندازد.

برای متولدین سال اژدها: برای آنها سال استراحت است؛ و باید از گرفتاریهایی که در نتیجه بی لیاقتی و بی عرضگی دیگران ایجاد شده حذر کند.

برای متولدین سال مار: به خاطر باهوشیش نمی تواند نادانی و حماقت دیگران را تحمل کند او می کوشد با پرداختن به ماجراهای عاطفی همه چیز را فراموش کند.

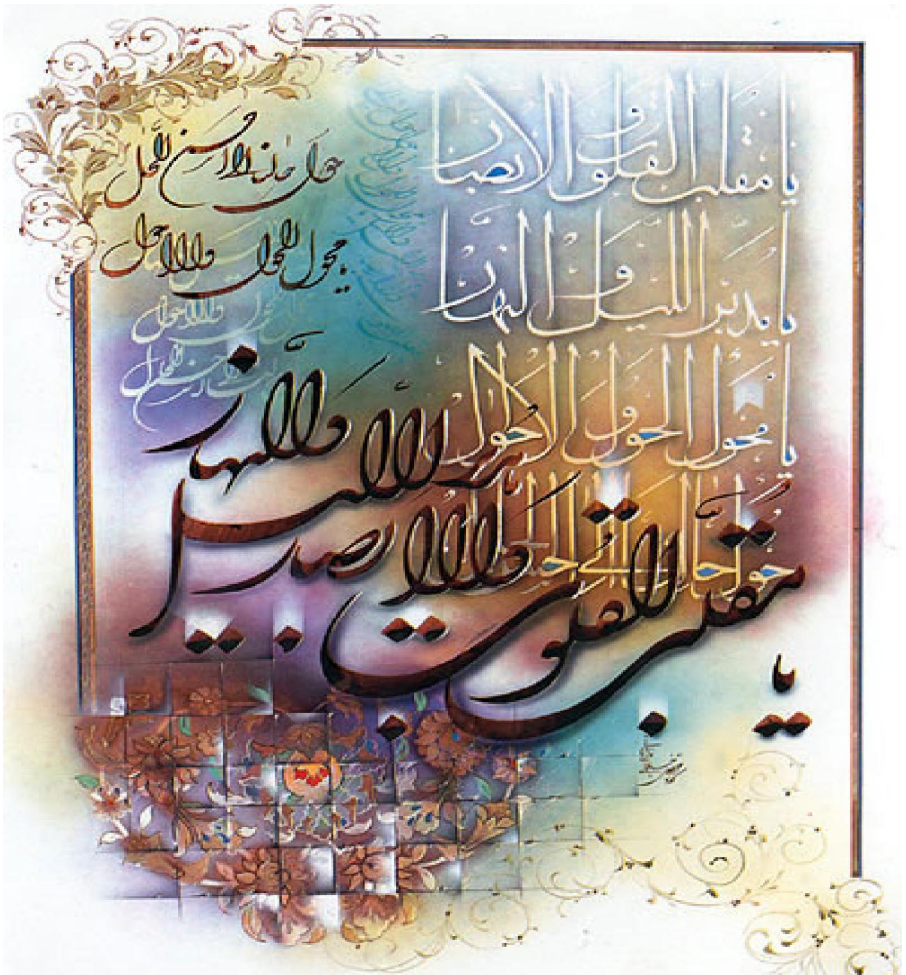
برای متولدین سال اسب: او اندکی از کارها عقب مانده؛ اما همه چیز در حال جبران است.

برای متولدین سال بز: سال بسیار خوبی است و سال متعلق به اوست؛ همه به او توجه دارند و آینده ای درخشان در انتظار اوست. امید است که او بتواند از این فرصتهای مناسب استفاده کند.

برای متولدین سال میمون: برای او سال توطئه چینی (و یا تدبیر) است، و برحسب سریرت خویش؛ خود را وقف این کار می کند.

برای متولدین سال خروس: باید آماده باش باشد و فکرش را هم نمی کند که

ممکن است به خواب رود و غافل شود؛ او خود را اسیر مشکلات می‌کند.
برای متولدین سال سگ: خشم و عصبانیتش را متوجه دیگران می‌کند و اگر پیر باشد اوقاتش را در تنهایی کامل می‌گذراند.
برای متولدین سال خوک: او پر از امید است؛ همه مشکلات امسال را کم اهمیت شمرده و مربوط به خود نمی‌داند؛ در نهایت همه چیز به نحو مطلوبی پیش خواهد رفت؛ او در رابطه عاطفی به موفقیت‌هایی دست می‌یابد.



ذکر مصیبت شهادت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهراء علیها السلام

ایام قبل از رحلت: (محدث قمی) به هر حال، بعد از پدر بزرگوار خود، در دنیا چندان مکث نکرد و پیوسته نالان و گریان بود به حدی که اهل مدینه از کثرت گریه او شکایت کردند، و در این مدت قلیل آن قدر اذیت و درد کشید که خدا داند، و اگر کسی تأمل کند در این کلمات که امیر المؤمنین علیه السلام بعد از دفن او با قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله خطاب کرده، میداند که چه مقدار بوده صدمات آن مظلومه، چه به سندهای معتبر وارد شده که چون امیر المؤمنین علیه السلام از دفن فاطمه فارغ شده، حزن و اندوه آن حضرت هیجان کرد، آب دیده های مبارکش بر روی انورش جاری شد و رو به قبر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله گردانید و بر آن حضرت سلام کرد از جانب خود و فاطمه علیه السلام و بعضی دردهای دل خود را ذکر کرد، تا آنکه عرض کرد: امانت خود را به خود برگردانیدی و گروی خود را از من باز گرفتی. چه بسیار قبیح است آسمان سبز و زمین گرد آلود در نظر من یا رسول الله! اندوه من بدر نخواهد رفت تا آنکه حق تعالی از برای من اختیار کند آن خانه را که اکنون تو در آنجا مقیمی. در دلم جراحتی است چرک آرنده و در سینه ام اندوهی است جا بدرآورنده، چه بسیار زود جدائی افتاد میان ما و بسوی خدا شکایت می کنم حال خود را. و ستنبئك ابتك بتظافر امتك علی هضمها فاحفها السؤال و استخبرها الحال فکم من غلیل معتلج بصدرها لم تجد الی بئس سبیلا و ستقول و یحکم الله و هو خیر الحاکمین. و بزودی خبر خواهد داد ترا دختر تو به معاونت و یاری کردن امت تو یکدیگر را بر غضب

حق من و ظلم کردن در حق او، پس از او پیرس احوال را، چه بسیار غمها در سینه او بر روی هم نشسته بود که بکسی اظهار نمی توانست کرد و بزودی همه را به تو خواهد گفت و خدا از برای او حکم خواهد کرد و او بهترین حکم کنندگان است.

شیخ طوسی از ابن عباس روایت کرده است که چون هنگام وفات حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شد، آن قدر گریست که آب دیده اش به محاسن مبارکش جاری شد. گفتند: یا رسول الله! سبب گریه شما چیست؟ فرمود: گریه می کنم برای فرزندان خود و آنچه نسبت به ایشان خواهند کرد بدان امت من بعد از من، گویا می بینم فاطمه دختر خود را بر او ستم کرده باشند بعد از من و او ندا کند که: یا ابتاه یا ابتاه! و احدی از امت من او را اعانت نکند. فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام چون این سخن را شنید، گریست، حضرت فرمود: گریه مکن ای دختر، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام گفت: گریه نمی کنم برای چه بعد از تو با من خواهند کرد، ولکن می گریم از مفارقت تو یا رسول الله. حضرت فرمود: که بشارت باد ترا ای دختر که زود به من ملحق خواهی شد و تو اول کسی خواهی بود که از اهل بیت، به من ملحق می شود.

شرح مصائب مربوط به حمله منافقان به بیت وحی و سوزاندن درب خانه حضرت فاطمه زهراء عَلَيْهَا السَّلَام و شتم و ضرب و جرح حضرت صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَام و کشتن شیرخوار ششماهه **مُحَسَّن** و جنین ششماه **مُحَسِّن** را در رساله ای مربوط به تاریخ این واقعه (هفتم ماه ربیع الأول) آورده ایم.

شدت ۴۰ روزه بیماری حضرت زهرا علیها السلام : هر چند با وفات رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام بیمار شده و در فاجعه حمله به خانه وحی آسیبهایی فراوان دیدند، ولی همین عوارض جسمی و بیماری بدنی؛ در ۴۰ روز قبل از شهادت شدت بیشتری پیدا کرد، در روضه الواعظین و غیره، روایت است که حضرت فاطمه علیها السلام را مرض شدیدی عارض شد و تا چهل روز ممتد شد.

احتضار و وصیت: چون دانست موت خود را؛ ام ایمن و اسماء بنت عمیس و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را حاضر ساخت و گفت: ای پسر عم! از آسمان خبر فوت من، به من رسید و من در جناح سفر آخرتم، ترا وصیت می کنم به چیزی چند که در خاطر دارم. حضرت فرمود: آنچه خواهی وصیت کن ای دختر رسول خدا؛ پس بر بالین آن حضرت نشست و هر که در آن خانه بود، بیرون کردند، پس فرمود: که ای پسر عم! هرگز مرا دروغگو و خائن نیافتی و از روزی که با من معاشرت کرده ای مخالفت تو نکرده ام، حضرت فرمود: معاذ الله، تو داناتری به (فرمان) خدا و نیکوکارتر و پرهیزکارتر و کریم تر و از خدا ترسان تری از آنکه ترا سرزنش کنم به مخالفت خود؛ و بر من بسیار گران است مفارقت تو؛ ولکن مرگ امریست که چاره از آن نیست؛ بخدا سوگند که تازه کردی بر من، مصیبت رسول خدا را و عظیم شد وفات تو بر من، پس می گویم: انا لله و انا الیه راجعون! برای مصیبتی که چه بسیار درد آورنده است مرا و چه بسیار سوزنده و به حزن آورنده است مرا، بخدا سوگند که این مصیبتی است که تسلی دهنده ندارد، و رزیه ای است که هیچ چیز عوض آن نمی تواند شد. پس ساعتی هر دو گریستند، پس امیر المؤمنین سر فاطمه علیها السلام را ساعتی به دامن گرفت و به سینه خود چسبانید، فرمود: هر چه می خواهی

وصیت بکن که آنچه فرمائی به عمل می آورم و کار ترا بر کار خود اختیار می کنم و ترجیح می دهم،

پس فاطمه علیها السلام گفت: خدا جزای خیر دهد ترا ای پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت می کنم ترا اول که بعد از من "امامه" (دختر خواهر حضرت زهرا علیها السلام) را به عقد خود در آوری، زیرا که مردان را چاره ای از زن گرفتن نیست، او برای فرزندان من، مثل من است، سپس گفت که: برای من نعشی قرار ده، زیرا که ملائکه را دیدم که صورت نعش برای من ساختند. حضرت فرمود: وصف آنرا برای من بیان کن، پس وصف آنرا بیان کرد. حضرت برای او درست کرد، و اول نعشی که در زمین (در حجاز) ساختند، آن بود، سپس گفت که: باز وصیت می کنم ترا که: نگذاری بر جنازه من حاضر شوند یکی از آنانی که بر من ستم کردند و حق مرا گرفتند، چه ایشان دشمن من و دشمن رسول خدایند و نگذاری که احدی از ایشان و اتباع ایشان بر من نماز کنند و مرا در شب دفن کن در وقتی که دیده ها در خواب باشد.

رحلت و شهادت: در کشف الغمه و غیره روایت کرده اند که چون وفات حضرت فاطمه علیها السلام نزدیک شد، اسماء بنت عمیس را فرمود که آبی بیاور که من وضو بسازم، پس وضو ساخت و به روایتی غسل کرد، نیکوترین غسلها، و بوی خوش طلبید و خود را خوشبو گردانید، و جامه های نو طلبید و پوشید، و فرمود: ای اسماء! جبرئیل علیه السلام در وقت وفات پدرم چهل درهم کافور آورد از بهشت، پدرم آن را سه قسمت کرد یک حصه را برای خود گذاشت و یکی از برای من و یکی از برای علی علیه السلام، آن کافور را بیاور که مرا به آن حنوط کنند، چون کافور را آورد، فرمود: نزدیک سر من بگذار، پس پای خود را رو به

قبله کرد و خوابید و جامه بر روی خود کشید و فرمود: ای اسماء! ساعتی صبر کن، بعد از آن مرا بخوان، اگر جواب نگویم علی عَلَيْهِ السَّلَام را طلب کن و بدانکه من به پدر خود ملحق گردیده ام. اسماء ساعتی انتظار کشید بعد از آن حضرت را ندا کرد صدائی نشنید، پس گفت: ای دختر مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ای دختر بهترین فرزندان آدم عَلَيْهِ السَّلَام، ای دختر بهترین کسی که روی زمین راه رفته است، ای دختر آن کسی که در شب معراج به مرتبه "قاب قوسین او ادنی" رسیده است، چون جواب نشنید جامه را از روی مبارکش برداشت، دید که مرغ روحش به ریاض جنت پرواز کرده است، پس بر روی آن حضرت افتاد و آن حضرت را می بوسید و می گفت: چون به خدمت حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برسی، سلام اسماء بنت عمیس را به آن حضرت برسان. در این حال؛ حسنین عَلَيْهِمَا السَّلَام از در آمدند و گفتند: ای اسماء! مادر ما در این وقت چرا به خواب رفته است؟ اسماء گفت: مادر شما به خواب نرفته ولیکن به رحمت رب الارباب واصل گردیده است، پس حضرت امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام خود را بر روی مادر افکند و روی انورش را می بوسید و می گفت: ای مادر با من سخن بگو، پیش از آنکه روحم از جسد مفارقت کند، و حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بر پایش افتاد و می بوسید آن را و می گفت: ای مادر بزرگوار! منم، فرزند تو حسین، با من سخن بگو پیش از آن که دلم شکافته شود و از دنیا مفارقت کنم. پس اسماء گفت: ای دو جگر گوشه رسول خدا! بروید و پدر بزرگوار خود را خبر کنید و وفات مادر خود را به او برسانید، پس ایشان بیرون رفتند چون نزدیک به مسجد رسیدند، صدا به گریه بلند کردند، پس صحابه به استقبال ایشان دویدند، گفتند سبب گریه شما چیست! ای فرزندان رسول خدا! حق تعالی هرگز دیده

شما را گریان نگرداند، مگر جای جد خود را خالی دیده اید و گریان شده اید از شوق ملاقات او؟ گفتند: مادر ما از دنیا مفارقت کرد. چون حضرت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ، این خبر وحشت اثر را شنید بر رو در آمد و فرمود: بعد از تو خود را به که تسلی دهم، پس این دو شعر را در مصیبت آن حضرت ادا فرمود:

لكل اجتماع من خليلين فرقة = وكل الذي دون الفراق قليل

و ان افتقادی واحدا بعد واحد = دليل على ان لايدوم خليل

چون خبر وفات حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ در مدینه منتشر گردید، مردان و زنان همه گریان شدند در مصیبت آن حضرت؛ و صدای شیون از خانه های مدینه بلند شد، زنان و مردان بسوی خانه آن حضرت دویدند، و زنان بنی هاشم در خانه آن حضرت جمع شدند، و نزدیک شد که از صدای شیون ایشان مدینه بلرزه در آید و ایشان می گفتند: ای سیده و خاتون زنان! ای دختر پیغمبر آخر زمان! مردم فوج فوج به تعزیه بسوی حضرت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می آمدند. آن حضرت نشست بود و حسنین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ در پیش آن حضرت نشسته بودند و می گریستند و مردم از گریه ایشان می گریستند. ام کلثوم به نزد قبر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: یا ایتاه یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امروز مصیبت تو بر ما تازه شد و امروز تو از دنیا رفتی. دختر خود را بسوی خود بردی. مردم جمع شده بودند و گریه می کردند و انتظار بیرون آمدن جنازه را می کشیدند، پس ابوذری بیرون آمد و گفت ای مردم! بیرون آوردن جنازه تأخیر افتاد. پس مردم متفرق شدند و برگشتند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ

عَلَيْهِ السَّلَام

تعیین تاریخ شهادت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهراء

محدث قمي: در این روز (سوم جمادی الاخری) از سال ۱۱ هجری موافق نص شریف (در کلام خازنان وحی عَلَيْهِ السَّلَام) به روایت طبری از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام و بنا به قول شیخین و سید و کفعمی و بهائی و غیر ایشان از بزرگان علماء اسلام؛ وفات حضرت فاطمه عَلَيْهِ السَّلَام واقع شده: پس باید در این روز، شیعیان به مراسم تعزیت آن حضرت قیام نمایند و زیارت آن مظلومه و نفرین بر ظالمان و غاصبان حق او کنند.

بدانکه در روز وفات حضرت زهراء عَلَيْهِ السَّلَام، اختلاف بسیار است و اظهر نزد احقر (محدث قمي)، آنست که بقای آن مظلومه بعد از پدر بزرگوارش، نود و پنج روز بوده و در این روز وفات کرده و از برای هفتاد و پنج، وجهی توان ذکر کرد که جای ذکرش نیست. (بایان نقل از کلام محدث قمي)

دقت و صحت این تاریخ: اما تاریخ سوم جمادی الاخری از جهات بسیاری بر تواریخ دیگر ترجیح دارد؛ و اضافه بر التزام بزرگان مذهب حق به این تاریخ؛ و مطابق بودن باروایت ۹۵ روز (بعد از ۲۸ صفر) و نیز روایت ۹۰ روز (بعد از دوم ربیع الأول) رحلت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، همچنین نص صریحی در کلام خازنان وحی از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام وارد شده است که رحلت و شهادت حضرت صدیقه عَلَيْهِ السَّلَام در سه روز گذشته از ماه جمادی الاخری (لثلاث خلون من شهر جمادی الاخره) اتفاق افتاده است؛ که این تفصیل صریح جایی هیچ گونه ابهام یا اشتباه و تصحیف در نقلی را باقی نمی گذارد.

از جمله منابعی که این تاریخ را نقل کرده اند: به روایت طبري از حضرت امام صادق عليه السلام در دلائل الإمامه ص ۱۰ و ۴۵ و به قول شيخین و شيخ مفيد در كتاب مسار الشيعة طبع جديد، ص ۵۴ و طبع قديم (مجموعه نفيسة ص ۶۷) و سيد بن طاووس در اقبال الاعمال ج ۳ ص ۱۶۱ و در كتاب التعريف للمولد الشريف و علامه طبرسي در تاج المواليد (مجموعه نفيسة ص ۹۸) و شيخ كفعمي در مصباح ص ۶۷۷ و شيخ بهاء الدين عاملي در كتاب توضيح المقاصد (مجموعه نفيسة ص ۵۲۵) و به نقل علامه مجلسي در زاد المعاد ص ۴۵۶ و در مياليد الاثمة و بحار الأنوار- ج ۴۳ ص ۱۶۹ ح ۱۶ و محدث قمي در وقايع الأيام ص ۲۵۸ و مفاتيح الجنان ص ۵۳۹ و كتاب تقويم الهي، و كتاب تقويم ديني باب ماه جمادى الأخرى.



↑ قبة خضراء: قبة حرمين نبوي و فاطمي عليها السلام

اما نقل ۷۵ روز نتیجه
تصحيف نساخ در
کتابت تاريخ ۹۵ روز
بوده است، که در خط
کوفي کلمه "سبعين" را
مانند کلمه "تسعين"
کتابت مي نموده اند، و
نقل ۴۰ روز مربوط به
بستري شدن حضرتش
بوده که بعد از چند
روز شدت پيدا نمود

که تا لحظه شهادت ادامه داشت.

تعمین محل دفن بدن مطهر حضرت صدیقه کبری فاطمه زهراء ع

تدفین: چون پاسی از شب گذشت و دیده‌ها بخواب رفت، جنازه را (از اتاق حضرتش) بیرون آوردند و حضرت امیر المؤمنین و حسنین ع و عمار و مقداد و عقیل و زبیر و ابودر و سلمان و بریده و گروهی از بنی هاشم و خواص آن حضرت بر حضرت فاطمه ع نماز کردند، و در همان شب او را دفن کردند در خانه حضرتش در نزد پیامبر ص. و چنانچه روایت صحیحی بر آن دلالت می‌کند و ابن شهر آشوب و غیره روایت کرده‌اند که چون آن حضرت را خواستند در قبر گذارند؛ دو دست از میان قبر پیدا شد شبیه به دستهای پیغمبر ص و آن حضرت را گرفت و به قبر برد.

❖ شیخ حمیری به سند خویش نقل نموده است: شخصی از حضرت امام صادق ع درباره مکان دفن حضرت زهراء ع پرسید، عیسی بن موسی (از بنی العباس) حاضر بود؛ پاسخ او را داد که: در بقیع دفن شد، آن شخص از امام پرسید نظر شما چیست؟ حضرت فرمودند: او که به تو گفت! آن شخص (با دعائی برای حضرت) عرض کرد: مرا با عیسی بن موسی چکار؟! مرا خبر ده از (نظر) پدران (و اجداد)! امام صادق ع فرمود: (حضرت فاطمه ع) در خانه اش دفن شد.^۱

❖ شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی ع هر یک به سند خویش نقل نموده‌اند از احمد بن محمد بن ابی نصر که گفت: از امام رضا ع درباره (موضع)

(۱) قرب الإسناد ص ۳۶۲ ح ۱۲۹۹ / بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۲ ح ۲.

قبر حضرت فاطمة عليها السلام پرسیدم، امام رضا عليه السلام فرمود: (فاطمة عليها السلام) در خانه اش دفن شد.^۲

❖ سید بن طاووس نقل نموده است که: أبو الحسن ابراهیم بن محمد الهمدانی نامه ای به حضرت امام هادی عليه السلام نوشت که: اگر نظر تان هست مرا از محل ضریح مادر تان حضرت فاطمة عليها السلام خبر دهید، آیا آن در طيبة (=مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله) است؟ یا اینکه همانطور که مردم عامه می گویند در بقیع است؟ حضرت امام هادی عليه السلام در جواب نوشتند: هي مع جدی صلوات الله عليه وآله (ترجمه) او کنار جدم صلوات الله عليه وآله مدفون است. (خانه فاطمة عليها السلام کنار خانه پیامبر صلی الله علیه و آله است).^۳

بعد از دوران حضرات پنج تن آل عبا صلی الله علیه و آله اصل خانه حضرت زهراء عليها السلام همچنان بر صورت اولیه اش باقی بود و در آن جناب فاطمة بنت الحسین و حسن مثنی عليه السلام سکونت داشتند، روی آوردن متزاید ملتھای جهان به اسلام در این دوران و سفرشان به مدینه منورة برای زیارت؛ آنها را متوجه جایگاه خاص اهل بیت صلی الله علیه و آله (خانه شان جنب خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و تنها خانه ای بود که به مسجد النبي صلی الله علیه و آله راه داشت) می نمود، باقی ماندن خانه حضرت فاطمة عليها السلام به صورت اصلیش و حضور فرزند امام حسن عليه السلام و فرزند امام حسین عليه السلام در آن خانه؛ برای هزاران مسلمانی که در آن عصر برای زیارت به مدینه مشرف می شدند؛ خود نشان هدایت آشکاری بود، طواغیت اموی که مأموریت شیطانیشان

(۲) الكافي ج ۱ ص ۴۶۱ ح ۹ / معاني الأخبار ص ۲۶۸ ح ۱ من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۶۸۵ / التهذيب ج ۳ ص ۲۵۵ ح ۲۵۰.

(۳) اقبال الأعمال ج ۳ ص ۱۶۱ / بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۸ ح ۱۸.

گمراهی مسلمین از صراط مستقیم و هدم و ویرانی اسلام بود؛ این امر طبیعی (سکونت اهل بیت علیهم السلام در خانه شان) را تحمل نکرده و با هجوم به بیت فاطمه علیها السلام آن دو یادگار اهل بیت علیهم السلام را بیرون نموده و خانه حضرت فاطمه علیها السلام را تخریب کردند، و به این صورت بود که این خانه را نیز از اهل بیت علیهم السلام غصب کردند، و برای اینکه بازتاب اجتماعی نداشته باشد، این کار را به نام توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله شهرت داده، و نتیجتاً این خانه به مسجد شریف الحاق شد. البته حضرات معصومین علیهم السلام (برای اینکه عبادت در محل غصبی سبب ابطال زائران حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت صدیقه علیها السلام نشود)، استفاده از این موضع برای زیارت و نماز و عبادت را اجازه داده اند.

بعد از فراغت از دفن حضرت زهراء علیها السلام در خانه، حضرت امیر علیه السلام در قبرستان بقیع نیز قبری را ساخت (همان قبری که جلوی قبر امامان علیهم السلام در بقیع است)، و بر دور قبر او هفت قبر دیگری ساخت که ندانند قبر آن مظلومه کدام است و بروایتی دیگر چهار قبر دیگر را آب پاشید که قبر فاطمه علیها السلام در آنها مشتبه باشد و بروایت دیگر، قبر آن مظلومه را با زمین هموار کرد که علامت قبر معلوم نباشد، اینها برای آن بود که عین موضوع آن قبر منور را ندانند، و بر آن قبر هم نماز نکنند، و خیال نبش قبر آن حضرت را بخاطر نگذرانند.

قبور پوششی بقیع: در اثر این واقعه (ساختن قبرهای پوششی در بقیع) نظریه دفن در بقیع میان عامه ناس حادث شد، و از این جهت است که غالب عامیان گفته اند که مدفن حضرت زهراء علیها السلام در بقیع است، بعد از آن بخاطر تاثیر برخی از شیعه از اقوال عامیان، و عدم ملاحظه مقصود روایاتی است که بر اساس تقیه صادر شده، این نظریه (دفن در بقیع) در میان برخی از شیعه نیز مطرح شد.

روضه النبی ﷺ: بعضی گفته اند مابین قبر حضرت رسول ﷺ و منبر آن حضرت مدفون است، زیرا که حضرت رسول ﷺ فرمودند: مابین (خانه من) قبر من و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من، دری است از درهای بهشت. اگر در سیاق این حدیث شریف تأمل شود واضح است که در مقام بیان شرافت



الروضه الشریفة

این دو موضع بوده، و این فضیلت به نسبت شرافت موضع منبر و نیز روضة به حضرتش مربوط است، فضیلت منبر که معلوم است، اما فضیلت روضة بخاطر این بوده است که حضرت رسالت ﷺ غالب اوقاتی را که در مسجد بودند (در غیر محراب و منبر) در همین محل روضه می نشستند و مردم به زیارتشان نائل می شدند، و هم در ایام اعتکاف نیز در همین محل اعتکاف می فرمودند.

روضه النبي ﷺ به فاصله میان خانه (ضریح) پیامبر ﷺ تا منبر شریف می گویند، که به فرمایش حضرت رسول الله ﷺ: گلستانی است از گلستانهای بهشت، و نماز و عبادت بلکه صرف بیتوته در آن بسیار فضیلت دارد. با همه اینها وقتی از حضرت امام صادق علیه السلام می پرسند که: نماز گذاردن در "روضه" بیشتر فضیلت دارد یا نماز گذاردن در خانه حضرت زهراء علیه السلام؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: نماز گذاردن در خانه حضرت زهراء علیه السلام (أفضل از نماز در روضه النبي ﷺ است).^۴

نظریه صحیح: با توضیحات فوق؛ سبب پیدایش تعدد اقوال در موضع قبر آن حضرت علیه السلام معلوم گردید، اما همانطور که در احادیث شریفه ملاحظه نمودیم حضرات معصومین علیهم السلام بر دفن در خانه مبارکه (جنب خانه نبوی ﷺ) تأکید نموده اند، ولذا قول صحیح و دقیق آنست که حضرت زهراء علیه السلام را در خانه خود دفن کردند.

امروزه خانه حضرت پیامبر ﷺ و خانه حضرت زهراء علیه السلام را تبدیل به ضریح بزرگ نبوی ﷺ و فاطمی علیه السلام شده، که قبه خضراء بر فراز آنها بنا گردیده است.



(۴) الکافی ج ۴ ص ۵۵۶ ح ۱۳ / التهذیب ج ۶ ص ۸ ح ۹ / بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۳ ح ۵۰.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الشَّهِيدَةُ

فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ
سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا



منظره ضریح حضرت پیامبر ﷺ و خانه حضرت فاطمة ﷺ که محل حقیقی دفن حضرت زهرا ﷺ بوده، (درب خانه فاطمة ﷺ؛ در سمت چپ تصویر است، که وهابیان ناصبی؛ جلوی آن قفسه قرآن گذاشته تا دیده نشود)

پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلیٰ

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تحجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزستی

آموزش برتر (اعلیٰ) - علوم برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلیٰ

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

۱۴۳۶

www.Aelaa.net

taqwim@aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین